

پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## مبنا و جایگاه اخلاق در مسئولیت مدنی

۱. نصراله امین کلیبر\*: مربی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. پست الکترونیک: aminkalaybar@pnu.ac.ir (نویسنده مسئول)

### چکیده

مسئولیت مدنی، مسئولیت‌های خارج از قرارداد است که به صورت قهری و قانونی ایجاد می‌شوند. در خصوص مبنای مسئولیت مدنی در میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد؛ دامنه اختلاف‌ها از نظریات تقصیر شخصی گرفته تا تقصیر نوعی، خطر و تضمین حق را دربرمی‌گیرد. آنچه در این مقاله به عنوان مبنای مسئولیت مدنی طرح شده ساختار جامعه‌گرایی است. بر مبنای این ساختار، حقوق و اخلاق خاستگاه مشترک و ذو مراتب دارند و هر دو از ساختار جامعه‌گرایی نشأت می‌گیرند. بر همین منوال مسئولیت مدنی نیز به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق از ساختار جامعه‌گرایی نشأت می‌گیرد. بر اساس همین خاستگاه مشترک، اخلاق در مسئولیت مدنی جایگاه ویژه‌ای دارد و در تمامی ابعاد آن پیچیده شده است و در همدیگر تأثیر متقابل دارند. در مقاله حاضر جایگاه و نقش اخلاق در مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار گرفته است. **واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی، جامعه‌گرایی، اخلاق.

امین کلیبر، نصراله. (۱۴۰۲). مبنا و جایگاه اخلاق در مسئولیت مدنی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۲)، ۲۸-۳۹.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



مسئولیت مدنی یکی از حوزه‌های دارای ابعاد گسترده در حوزه حقوق می‌باشد؛ هر جا قراردادی موجود نباشد و به شخصی زانی وارد شود مسئولیت مدنی مطرح می‌شود، لیکن آنچه محل اختلاف است مبنای مسئولیت مدنی است؛ اینکه چه کسی و بر چه اساسی مسئول می‌باشد مورد اختلاف است. برخی نظریاتی که در حوزه مبنای مسئولیت مدنی مطرح شده اند احقاق حق زیان‌دیده را با تعدد مواجهه می‌سازند. برای مثال در نظریه تقصیر شخصی اثبات تقصیر زیان زنده با مشکلات عدیده‌ای مواجه است و گاهی اوقات زیان‌دیده از جبران خسارت باز می‌ماند. بنابراین آنچه ضروری می‌نماید طرح مبنایی جامع برای جبران خسارت افراد زیان‌دیده است. در این میان به نظر می‌رسد مبنای مسئولیت مدنی باید فراتر از نظریات مطرح شده مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که منشأ حقوق از اراده طرفین در یک منطقه سوم اعتباری برمی‌خیزد لذا همین منطقه سوم اعتباری می‌تواند به عنوان مبنای مسئولیت مدنی مطرح شود. این منطقه سوم اعتباری همان ساختار جامعه‌گرایی است. بر مبنای ساختار جامعه‌گرایی اراده افراد در جامعه در یک منطقه سوم اعتباری به هم می‌رسند و جامعه را بنا می‌نهند. بدین ترتیب، جامعه برای حفظ و بقای خود نیازمند تامین و تضمین حقوق همه افرادی است که در این چارچوب فعالیت می‌کنند و اگر چنانچه مورد تعرض و آسیب و خسارت قرار گیرند باید تحت حمایت خود قرار دهد. بنابراین مسئولیت مدنی نیز باید در این چارچوب مدنظر قرار گیرد و زیان افراد در ساختار جامعه باید به هر طریقی جبران شود و حتی اگر امکان مواخذه اشخاص حقیقی وجود نداشته باشد دولت به عنوان مظهر قدرت عمومی از کیان جامعه محافظت نماید و زیان افراد را جبران نماید کما اینکه در برخی از قوانین و مقررات چنین بارقه‌هایی دیده می‌شود. برای مثال در تصادفات رانندگی در مواقعی که مقصر حادثه معلوم نباشد صندوق خسارتهای بدنی دیه زیان‌دیدگان را جبران می‌نماید. حال چون منشأ حقوق و اخلاق یکسان است اما در عین حال مراتب آن‌ها متفاوت است لذا در همدیگر تاثیر متقابل دارند. در حوزه مسئولیت مدنی نیز اخلاق نقش بسیار پررنگی دارد و در تمامی ابعاد و اضلاع آن گسترده است تا جایی که گاهی اوقات مرز میان حقوق و اخلاق از بین می‌رود. برای مثال در نجات جان مصدومان ظاهر امر این است که چهره اخلاقی دارد اما در عین حال حقوق وارد می‌شود و برای افرادی که از کمک اخلاقی خود دریغ می‌نمایند الزام حقوقی بار می‌نماید. در مقاله حاضر به بررسی مبنا و جایگاه اخلاق در مسئولیت مدنی خواهیم پرداخت.

#### پیشینه تحقیق

در خصوص جایگاه اخلاق در مسئولیت مدنی آثاری مختلفی نوشته شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. خانم سارا غفاری و جمشید نورشرق مقاله‌ای تحت عنوان «نقش اخلاق در حقوق مسئولیت مدنی» تالیف نموده‌اند و بیشتر به ارتباط نظریه تقصیر با اخلاق پرداخته‌اند و نقش ویژه‌ای برای مسئولیت مدنی در اعتلای اخلاق قائل شده‌اند. آقایان محمد غلامعلی زاده کچو و اسماعیل رضایی مقاله‌ای تحت عنوان «تاثیر قواعد اخلاقی در مسئولیت مدنی» تالیف نموده‌اند و قواعد اخلاقی را با مسئولیت مدنی همسو دانسته‌اند. آقایان بیژن حاجی عزیزی، فیض اله جعفری و رضا توکلی نهاد مقاله‌ای تحت عنوان «اخلاقی بودن مسئولیت مدنی محض» تالیف کرده‌اند تا مبنای بهتر اهداف مسئولیت مدنی را در گرو رعایت قواعد اخلاقی دانسته‌اند. علاوه بر اینها آثار دیگری نیز در این حوزه تالیف شده است لیکن آنچه موجب وجه تمایز مقاله حاضر با آثار تالیف شده در این حوزه می‌باشد توجه به ساختار جامعه‌گرایی به عنوان منشأ مشترک اخلاق و مسئولیت مدنی می‌باشد.

ساختار جامعه‌گرایی به عنوان منشأ مسئولیت مدنی

ساختار جامعه‌گرایی به عنوان منطقه سوم اعتباری منشا حقوق و اخلاق است. از این رو، همانطور که قرار گرفتن ارادی یا غیرارادی انسان در موقعیت وجودی جامعه‌گرایانه برای او ایجاد حق می‌کند، همینطور نقض ساختار جامعه‌گرایانه برای او ایجاد تکلیف می‌کند. مسئولیت مدنی در واقع همان مسئولیت جامعه‌گرایانه است. ضمان در این نوع مسئولیت قهری است و این نشان می‌دهد که منشاء مسئولیت مدنی اصل حاکمیت اراده نیست بلکه شخص ارادی یا غیرارادی اگر ساختار جامعه‌گرایی را نقض کند مسئولیت مدنی پیدا خواهد کرد. بر همین اساس، به نظر برخی حقوقدانان بحث مربوط به مبنای بسیاری از خیارها نیز در شمار مسائل مربوط به مسئولیت مدنی است، با این تفاوت که الزام شخص به جبران خسارت به شیوه معهود ظاهر نمی‌شود، بلکه به جای دادن مبلغی پول یا مثل مالی که از بین رفته است، الزام ناشی از عقد به سود زیان دیده از بین می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۹۸).

به طور کلی الزام‌های بدون قرارداد و مسئولیتهای ناشی از آن سه شاخه بنیادی دارد: الف- لزوم زندگی بی‌ضرر و بی‌خطر، ممنوعیت اضرار به دیگران و مسئولیت مدنی برای جبران زیان وارد به دیگری. ب- لزوم احترام به اموال و حقوق دیگران، ممنوع بودن استیلاء بر آنها و مسئولیت ناشی از آن. ج- تعلق منافع، ارزشها و حاصل کارکردهای (مادی و فکری) اشخاص به خود آنان (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ۱۱).

در حقوق مدنی کشورهای مختلف مبانی مختلفی نظیر تقصیر، خطر و تضمین حق در مورد مسئولیت مدنی مطرح شده است. نظریه‌های مختلط و واسطه نیز، به ویژه در حقوق ایران مورد استقبال قرار گرفته است. تغییر مبنای مسئولیت مدنی از تقصیر به خطر بیانگر حرکت آن از تلقی اصل حاکمیت اراده به عنوان منشا حقوق به سوی اصل حاکمیت جامعه‌گرایی است، زیرا بر طبق ساختار جامعه‌گرایی ارادی یا غیرارادی بودن عمل شخص نیست که برای او ایجاد مسئولیت می‌کند بلکه موقعیت وجودی اوست که اگر ناقض جامعه‌گرایی باشد مسئولیت‌آور است. در ادامه به توضیح اجمالی مبانی مسئولیت مدنی و ایرادات وارده بر آنها می‌پردازیم:

الف- نظریه تقصیر؛ این نظریه خود به تقصیر شخصی و تقصیر نوعی تقسیم می‌شود. نظریه تقصیر شخصی بر مبنای مسئولیت شخصی ارادی استوار است اما نظریه تقصیر نوعی بر مبنای ضرر و امر متعارف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در مراحل اولیه پیدایش مسئولیت مدنی، نظریه تقصیر شخصی مبنای آن تلقی می‌شد اما به تدریج انتقاداتی علیه آن صورت گرفت که برخی از آنها عبارتند از: ۱- نظریه تقصیر شخصی معیار دقیقی ندارد، زیرا وجدان شخص و نیروی تمیز او، امر مخفی و پوشیده‌ای است که به اختلاف افراد متفاوت است و حقوق وسایل و ابزار کشف و واکنش‌های وجدانی افراد را در اختیار ندارد. ۲- با در نظر گرفتن این ملاک، مسئولیت اشخاص دقیق و با وجدان سنگین‌تر از افراد لایبالی و بی‌مبالات خواهد شد. ۳- در مسئولیت مدنی ضرر و جبران آن مدنظر است نه مجازات شخص مقصر، پس مسئولیت مدنی و کیفری را نباید خلط کرد (همان، ۱۱۷-۱۱۸).

بدین ترتیب چون بر مبنای نظریه تقصیر شخصی، بسیاری از ضررها جبران نشده باقی می‌ماند و صغار و مجانبین هیچ گونه مسئولیتی در قبال ضررهایی که به دیگران وارد می‌کردند نداشتند، لذا به تدریج نظریه تقصیر نوعی که مبتنی بر ضرر و امر متعارف است جایگزین آن شد (همان، ۲۷). در نظریه تقصیر نوعی مقتضای متعارف بودن این است که اگر شخصی مهارت کافی و لازم در کاری ندارد نباید به آن کار دست بزند. برای مثال بدون گواهینامه رانندگی نکند و در صورت لزوم باید با استفاده از عینک براند (همان، ۱۱۸). با وجود آنکه نظریه تقصیر نوعی بر مبنای «رفتار متعارف» انسان بود و چندان به آزادیهای اخلاقی او تجاوز نمی‌کرد، اما چون همچنان متوجه عنصر روانی و اخلاقی مقصر می‌شد، گروهی از حقوقدانان با تجدیدنظر در آن سعی کردند اشکالات آن را برطرف سازند و در نتیجه نظریه‌های دیگری در مورد مبنای مسئولیت مدنی مطرح کردند (همان، ۲۹).

ب- نظریه تضمین حق؛ این نظریه ناظر به حمایت از صاحب حق و سالم و ایمن زندگی کردن اشخاص در جامعه و مسئول شناختن متجاوز به عنوان ضمانت اجرای این حمایت است (همان، ۳۰).

ج- نظریه خطر؛ این نظریه گامی به سوی جامعه‌گرایی و عدم کاوش در نیت اخلاقی برای حفظ آزادیهای اخلاقی است. از مهمترین عوامل مؤثر در پیدایش این نظریه مشکل اثبات تقصیر از ناحیه زیان‌دیده بود. از طرف دیگر پیدایش مکتب تحقیقی ایتالیا توسط انریکو فری در پیدایش این نظریه نقش اساسی داشت. از نظر فری ((Free، کاوشهای روانی و تحقیق در مورد تأثیر محیط اجتماعی در مجرم برای دستیابی به حالت روحی و روانی مجرم در لحظه ارتکاب جرم در غالب موارد نتیجه عکس می‌دهد و به تیرئه جانی می‌انجامد، زیرا هدف مجازات، قصاص مجرم و معامله به مثل با وی نیست بلکه هدف اصلی آن حمایت از اجتماع و تنبه دیگران است. بنابراین مسئولیت اخلاقی مجرم نباید معیار تعیین مجازات باشد بلکه شدت و ضعف زیان وارده اساس تعیین مجازات است (همان، ۳۱).

طرفداران نظریه خطر برنده‌ترین سلاح و محکم‌ترین دلیل خویش را براساس «انصاف» تبیین نموده‌اند و معتقدند که اگر خسارات ناشی از فعالیت بدون تقصیر را زیان دیده تحمل کند، ظالمانه رفتار شده است، زیرا انصاف حکم می‌کند که از بین واردکننده زیان و زیان دیده، خسارت به کسی تحمیل گردد که آن را ایجاد کرده است. با وجود این، به رغم رویکرد انصاف محور نظریه خطر، آن هم در نهایت تعدیل شد و برخی از طرفداران آن به نظریه تقصیر نوعی پیوستند (همان، ۳۵).

دکتر قاسم‌زاده بر این باور است که هیچ یک از نظریه تقصیر و خطر به تنهایی نمی‌تواند مبنای مسئولیت قرار گیرد بلکه باید از هر دو استفاده کرد و در این زمینه دو راهکار ارائه کرده است: ۱- مسئولیت مبتنی بر تقصیر به عنوان اصل و قاعده و مسئولیت مبتنی بر خطر به صورت فرعی و جنبی و به صورت استثناء در مواردی که عدل و انصاف اقتضاء می‌کند به موقع اجرا گذاشته شود. حقوق ایران با این نظریه سازگار است.

۲- مسئولیت ناشی از فعل شخص بر مبنای تقصیر و مسئولیت ناشی از فعل غیر و مسئولیت ناشی از مالکیت و تصرف اشیاء و حیوانات بر پایه خطر گذاشته شود (همان، ۴۱).

در مجموع باید گفت که با پذیرش نظریه خطر در مسئولیت مدنی، انصاف جایگاه مهمی در این بخش از حقوق پیدا کرده است. بر همین اساس در قانون مدنی و تجارت ایران نیز تقصیر عنصر اساسی مسئولیت نیست، بلکه به صرف احراز رابطه سببیت بین خسارت وارده و عمل زیان‌آور مسئولیت مسلم می‌گردد (مواد ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۱۲۱۶ قانون مدنی و مواد ۳۸۶-۳۸۸ قانون تجارت). در تقصیر، قانون در لحظه ارتکاب جرم به نیت شخص توجه می‌کند اما چون عمل انسان مشمول «نظریه طیف»<sup>۱</sup> است لذا انصاف حکم می‌کند که به راهبرد شخص یا ساختار کلی عمل او توجه شود. بدین ترتیب در نگاه مبتنی بر انصاف در نظریه خطر، امور نامرئی غیرقابل ارزیابی هم می‌تواند براساس نظریه طیف مورد ارزیابی قرار بگیرد. در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ایران نیز انصاف جایگاه مهمی دارد. ماده ۳ آن می‌گوید: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...» در ماده ۴ نیز می‌گوید: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد: ۱- هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد. ۲- هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلیتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود. ۳-

<sup>۱</sup> - بر طبق این نظریه، انسان می‌تواند در هر لحظه رفتارهای متفاوتی از خود نشان دهد لذا رفتارهای انسانی نمی‌تواند صفر یا صد لحاظ شود بلکه در داخل یک طیف از بدترین تا عالی‌ترین مرتبه قابل ارزیابی است.

وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد.»

در پایان باید گفت که سیالیت دیدگاهها در زمینه مبانی مسئولیت مدنی نشانگر آن است که آنچه در اصل مدنظر است نقض ساختار جامعه‌گرایی است که ایجاد مسئولیت می‌کند، حال این نقض می‌تواند از طریق ایجاد خطر و یا تقصیر ایجاد شود. بدین ترتیب مسئولیت مدنی با اتخاذ رویکرد جامعه‌گرایانه، و تقدم عدالت بر آزادی، زمینه را برای آزادیهای اخلاقی فراهم می‌نماید.

اما در باب رویکرد عادلانه مسئولیت مدنی در انتخاب سبب مسئول، حقوقدانان به نتیجه واحدی نرسیده‌اند و دیدگاههای متفاوتی در این زمینه نظیر برابری اسباب، سبب مقدم در تأثیر، سبب نزدیک یا آخرین سبب، سبب سنگین‌تر (اقوی) و سبب متعارف و اصلی ارائه شده است. معاصران سعی دارند نظریه سبب متعارف و اصلی را به عنوان نظریه مورد قبول معرفی نمایند. با وجود این به هیچ یک از نظریه‌ها اعتماد نکرده و گفته‌اند: این کاوش قاعده نمی‌پذیرد و دادرس باید در هر مورد خاص و با توجه به اوضاع و احوال داوری کند. از نظر دکتر قاسم‌زاده، عامل مهم و اساسی در تعیین سبب مسئول، عدوان عرفی است که با نظریه تقصیر نوعی هماهنگ و سازگار است (نک: همان، ۹۳-۱۰۲).

اما در باب تقسیم خسارت بین اسباب مسئول نیز دیدگاههای مختلفی ارائه شده است. ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی در این مورد می‌گوید: «... هرگاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد.»

#### وجوه افتراق تقصیر اخلاقی و تقصیر حقوقی در مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی که دارای مرز مشترک با مسئولیت اخلاقی است، نباید موجب شود که برای مسئولیت اخلاقی هم ضمانت اجراء تعیین شود، زیرا در این صورت آزادیهای اخلاقی از بین خواهد رفت. مسئولیت اخلاقی به معنی شرمساری وجدان و احساس گناه است و بیشتر جنبه شخصی دارد، در حالی که مسئولیت مدنی جنبه نوعی و اجتماعی دارد و شخص باید خسارت زیان‌دیده را جبران کند (کاتوزیان، ۴۹). بنابراین مواردی هست که در آن افراد به لحاظ اخلاقی مقصرند اما از نظر قانون مقصر نیستند و همچنین مواردی هست که افراد مجازات می‌شوند اما به لحاظ اخلاقی مقصر نیستند (موراوتز، ۱۳۸۷، ۱۹۳). برای مثال عدم‌النفع طلبکار در صورت عدم پرداخت به موقع دین از طرف مدیون، مسئولیت حقوقی ندارد اما مسئولیت اخلاقی دارد. برخی از تفاوت‌های اصلی این دو نوع مسئولیت به قرار زیرند:

۱- مبنای تقصیر اخلاقی، تعالیم مذهبی و عرف و عادت جامعه است اما مبنای تقصیر حقوقی مقررات موضوعه یا عرف مسلم جامعه است.  
۲- تقصیر اخلاقی علاوه بر گفتار و کردار، پندار فرد را نیز دربرمی‌گیرد اما تقصیر قانونی هنگامی رخ می‌دهد که پندار نادرست کسی در عالم خارج به صورت فعل یا ترک فعل درآید.

۳- تقصیر اخلاقی با مسئولیت ناشی از آن تناسب مستقیم دارد یعنی میزان مسئولیتهای اخلاقی به اندازه تقصیری است که شخص مرتکب آن شده است، در صورتی که ممکن است تقصیر حقوقی با مسئولیت ناشی از آن توازن و هماهنگی نداشته باشد، زیرا گاه تقصیری سبک خساراتی سنگین به بار می‌آورد.

۴- تقصیر اخلاقی در پیشگاه خداوند یا در برابر وجدان تحقق پیدا می‌کند، لذا ضمانت اجرای آن مسئولیت اخروی یا شرمساری وجدان است، در صورتی که تقصیر حقوقی در برابر مردم تحقق پیدا می‌کند و ضمانت اجرای مادی و دنیوی دارد.

۵- مسئولیت ناشی از تقصیر اخلاقی بدون ورود زیان هم تحقق می‌یابد، اما تقصیر حقوقی بدون ورود زیان به غیر مسئولیت حقوقی ایجاد نمی‌کند.

۶- تقصیر اخلاقی جنبه شخصی دارد اما تقصیر حقوقی رفته‌رفته جنبه نوعی پیدا کرده و مفهوم شخصی خود را از دست می‌دهد. به همین دلیل است که حقوق با تأسیس بیمه، مسئولیت را بین افراد جامعه سرشکن می‌کند، اما تقصیر اخلاقی و مسئولیت ناشی از آن را نمی‌توان بیمه کرد (قاسم زاده، ۱۳۸۵، ۱۳-۱۴).

### جایگاه نیت اخلاقی در مسئولیت مدنی

در حقوق اسلامی، احسان و نیکوکاری و امانتداری از جمله مسقطات ضمان به شمار می‌آید. مبنای این دو قاعده، آیات «ما علی المحسنین من سبیل» (توبه، ۹۱) و «هل جزا الاحسان الا الاحسان» (الرحمن، ۶۰) می‌باشد. حال به توضیح این دو قاعده می‌پردازیم:

الف- احسان؛ اگر فعلی از شخص نیکوکار صادر شود اگرچه فی حد ذاته و در نفس الامر موجب مسئولیت باشد، اما چون فاعل آن نیکوکار است ضمان ایجاد نمی‌کند. برای مثال اگر حیوانی گرسنه باشد و صاحب حیوان غایب باشد و کسی هم نباشد که او را علف بدهد و شخص نیکوکاری به آن علف بدهد، اما از بد حادثه و از روی اتفاق سبب تلف حیوان گردد شخص نیکوکار مسئول نیست، یا هرگاه کسی حیوانی را برای محافظت از سرما و آسیب درندگان به اصطبل خود ببرد ولی سقف فرو بریزد و آن را تلف نماید ضامن نمی‌باشد، یا پزشکی مریضی را از باب نیکوکاری برای درمان به منزل خود ببرد لیکن از قضا مار یا عقربی او را بگزد و بیمار بمیرد پزشک ضامن نیست، یا اگر کسی دیگری را در حال سوختن ببیند و به منظور حفظ جان وی لباسهایش را پاره کند ضامن نیست، یا اگر ناخدای کشتی مقدار از اموال موجود در کشتی را که در شرف غرق شدن است برای حفظ جان سرنشینان کشتی به دریا بریزد ضامن نمی‌باشد، همچنین اگر ولی برای مولی علیه خویش زراعت کند تا سودی را عاید او کند اما از باب اتفاق زراعت از بین برود و یا منافع بسیار اندکی از آن حاصل شود، به دلیل نیکوکار بودن مسئول نیست. البته در تمامی این موارد مشابه باید ضررهایی که از باب نیکوکاری به دیگری می‌رسد کمتر از ضرری باشد که شخص نیکوکار می‌خواهد از او برطرف کند اما در صورتی که ضررها بیشتر باشد نیکوکاری صدق نمی‌کند و در صورت تساوی دو ضرر هم کار لغوی کرده است مگر اینکه غیر از جهات مالی، جهات و منافع دیگری مورد نظر باشد (همان، ۲۴۷).

ب- امانتداری؛ اگر کسی بدون اذن بر مال کسی استیلا پیدا کند ضامن عین، مثل یا قیمت آن مال است. اما اگر کسی با اذن بر مال کسی استیلا پیدا کند ضامن نخواهد بود. این اذن ممکن است از طرف صاحب مال صادر شود (امانت مالکانه) و یا از طرف قانون یا شرع (امانت قانونی یا شرعی). بدین ترتیب امین کسی است که با اجازه مالک یا شرع در مال غیر، تصرف و تسلط دارد و نسبت به مال مزبور خیانت (تعدی و تفریط) نمی‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، ۱۷۷-۱۸۹). مصادیق قاعده عدم ضمان امین در قانون مدنی در مواد ۵۰، ۵۲، ۱۶۲، ۱۶۸، ۴۹۳، ۵۱۶، ۵۳۶، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۸۴، ۶۱۴، ۶۳۱، ۷۸۹، ۱۲۳۸، و اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده است.

با توجه به اینکه در بخش قراردادها به مصادیق امانت مالکانه اشاره شد در اینجا مواردی از امانت قانونی و شرعی بیان می‌شود: ۱- چنانکه باد یا سیل قهراً مال کسی را در زمین دیگری بیاورد. ۲- مالک ندانسته آن را تسلیم دیگری کند بدون آنکه شخص اخیر نیز بر آن امر اطلاع

داشته باشد چنانکه کسی لباسی را بفروشد و خریدار در جیب او مالی بیابد، یا آنکه کسی بدهی خود را به دیگری بپردازد و بدون توجه زائد بر مقدار لازم بدهد و نیز در موردی که شخصی به اشتباه و بدین پندار که تکلیف حقوقی دارد مال خود را به دیگری می‌سپارد.

۳- به اجازه قانون، مانند مورد اشیاء پیدا شده (لقطه) و حیوان ضاله و آنچه کسی به جهتی از جهات از قبیل خرید و صلح در دست دارد و معلوم شود مسروقه و یا مغصوبه است و همچنین است آنچه از صغیر و مجنون گرفته می‌شود که به اولیاء آنان رد گردد تا تلف نکنند (امامی، ۲۴۳).

در موارد امانت قانونی کسی که مال غیر را در دست دارد باید آن را نگهداری و در اولین وقت ممکن به مالکش رد نماید ولو آنکه آن را مطالبه نکرده و از وجود آن هم بی‌اطلاع باشد. اما اگر چنانچه امین در مال مورد امانت تعدی و تفریط کند خائن محسوب می‌شود و از لحظه تعدی و تفریط و یا عدم استرداد در صورت طلب مالک، ضامن محسوب می‌شود اگرچه خسارت وارد شده محصول تعدی و تفریط او نباشد (ماده ۶۱۶ قانون مدنی).

### مسئولیت مدنی در حقوق اخلاقی

برخی از روابط حقوقی هستند که مبنای آن اخلاق است، یعنی انجام عمل دلسوزانه و از ته دل مبنای رابطه حقوقی است. در همه حرفه‌ها بویژه در حرفه‌هایی چون معلمی، وکالت، پزشکی و قضاوت این نوع پیمان اخلاقی حاکم است. در این نوع روابط حقوقی از یک طرف قانون برای حفظ حقوق افراد باید مداخله کند و از طرف دیگر برای حفظ آزادیهای اخلاقی نباید مداخله کند. این تعارض در مواجهه حقوق و اخلاق، از طریق ارزیابی عمل بر مبنای «امر متعارف» در همان شرایط خارجی حادثه رفع می‌شود. لذا هرگاه دارنده شغل یا مهارتی به کارهای معمولی و غیرمرتبط با حرفه خویش دست بزند برای ارزیابی تقصیر به رفتار یک انسان متعارف توجه می‌شود (قاسم زاده، ۴۴).

بنابراین برای مثال یک وکیل باید در تعهداتی که به اعتماد و ابتکار او واگذار شده است باید مانند یک امین دلسوز، آگاه و آشنا به مسایل حقوقی رفتار کند. لذا برای تشخیص تقصیر وی باید رفتار او را با رفتار یک وکیل متعارف، آشنا و مسلط به مسایل حقوقی مقایسه کرد (همان، ۴۸). ماده ۶۷۷ قانون مدنی در این مورد می‌گوید: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصراحه به او اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست تجاوز نکند.»

همچنین برای ارزیابی تقصیر یک قاضی باید رفتار یک قاضی آگاه و متعارف در نظر گرفته شود. با وجود این، در موارد اشتباه قاضی زیانهای ناشی از تقصیر عمدی و غیرعمدی در حکم عمد را باید خود قاضی، و زیانهای ناشی از تقصیر غیرعمدی سبک را باید دولت جبران کند (همان، ۴۵-۴۷).

در این میان اخلاق پزشکی قدری پیچیده‌تر از حرفه‌های دیگر است. اخلاق پزشکی مجموعه تظاهرات رفتاری یک پزشک در جریان انجام وظیفه شغلی است که به صورت خصلتهای فردی و در رابطه با بیمار و بستگان و همراهان وی، جامعه و حکومت، محیط کار و همکاران و سایر موارد تجلی می‌نماید (دیباچی، ۱۳۸۶، ۲۰). پزشکان باید بیماران را فقط به خاطر بیماریشان تحت درمان قرار دهند و بین آنها فرق و تبعیض قائل نشوند؛ سیاه و سفید، فقیر و غنی، دوست و دشمن، مذهبی و غیرمذهبی را در هنگام بیماری به طور مساوی و کاملاً بی‌طرف تحت درمان قرار دهند و همیشه در همه‌جا نفع بیمار را در نظر بگیرند و از منافع شخصی در هنگام طبابت چشم‌پوشند و هدف اصلی آنها نجات جان بیمار باشد و بس (همان، ۳۰). ماهیت پزشکی در اصل پرهیزگاری است. علم اخلاق پزشکی در واقع مجموعه‌ای از امر به معروف

و نهی از منکر علم پزشکی است: امر به وقار، بی‌طمعی، پاک‌چشمی، پاکدامنی، دلسوزی و محبت، مهربانی و صمیمیت، شکیبایی، همدردی، رازداری، امانت و صداقت، مطالعه و روزآمد نگهداشتن دانش خود، و نهی از طبابت غلط و اعمال اشتباه‌آمیز، نهی از بازگوئی اسرار بیماران، نهی از خشونت‌های بی‌مورد با بیماران و تحقیر پزشکان و همکاران، نهی از جستجوی مشتری و دلال‌بازی و بیمار دزدی، نهی از صدور گواهی‌های خلاف واقع، نهی از ارجاع بیماران به همکاران نادرست و ناوارد، نهی از دریافت حق‌العلاجهای سنگین و نامتناسب و نهی از ناپاک‌چشمی و بیماران را به دیده شهوت نگریستن (همان، ۴۸).

در این میان مسئله رازداری از اخلاقی‌ترین وظایف پزشک می‌باشد و از آن به عنوان یک امانت الهی نام برده می‌شود. اگر این امانت بدون اجازه امانتگذار در اختیار کسی قرار بگیرد خیانت در امانت است، اما اگر قانون صراحتاً از پزشک درخواست افشای راز بیمار را بکند و یا نفع جامعه و یا نفع بیمار ایجاب کند پزشک اخلاقاً و قانوناً حق افشای راز بیمار را دارد (همان، ۲۷۰).

در پزشکی نیز مثل دیگر حرفه‌ها اگر پزشکی دچار تقصیر شود، برای حفظ آزادیهای اخلاقی، مبنای ارزیابی عمل او رفتار یک پزشک متعارف و متخصص در همان سطح است.

#### مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری؛ تلاقی حقوق و اخلاق

از جمله بارزترین اعمال نیکوکارانه و حیاتی، نجات جان یک انسان از مهلکه خطر است. در این مسئله، بحث بر سر این است که نجات جان دیگری در اصل یک عمل اخلاقی است و از آنجا که اخلاق نباید ضمانت اجراء داشته باشد، پس الزام حقوقی و مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری بر چه مبنایی استوار است؟ برخی از مبانی و دیدگاه‌های مطرح شده در این مورد به قرار زیر است:

الف- دیدگاه لیبرالیسم؛ از نظر لیبرالیستها اصل بر عدم تکلیف به نجات جان دیگری است، زیرا انسان آزاد آفریده شده و باید آزاد زندگی کند. از نظر آن‌ها همانطور که شخص به دیگران نباید ضرر و صدمه وارد سازد، همینطور نیز الزامی به سود رساندن به دیگران ندارد. تنها استثناء بر اصل آزادی، این تکلیف منفی است که «به ضرر دیگران اقدام مکن». در نتیجه نمی‌توان آزادی فرد را با این تکلیف مثبت که «به سود دیگران اقدام کن» از میان برد (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷، ۳۱). از طرف دیگر، در نظر آن‌ها اجباری کردن تکلیف به نجات دیگران فقط با آزادی ناظر منافات ندارد، بلکه گاه با آزادی خود قربانی نیز در تعارض قرار می‌گیرد، چرا که موجب مداخلات بی‌جا و مکرر دیگران در امور شخصی و خانوادگی وی می‌گردد. کافی است تا زن و شوهری بر سر یک موضوع ناچیز و خانوادگی، مشاجره‌شان بالا بگیرد، سپس باید شاهد خیل عظیم همسایگان‌شان باشند که صدای آنان را شنیده‌اند و به سبب این الزام به یاری زن شتافته‌اند. علاوه بر آن باید پاسخگوی پلیسی باشند که آنان خبر کرده‌اند (همان، ۳۲).

البته مخالفت لیبرالیستها با تحمیل یک تکلیف قانونی مبنی بر نجات جان شخص در خطر است، وگرنه آن‌ها نیز انکار نمی‌کنند که از لحاظ اخلاقی بهتر است که چنین کمکی صورت بگیرد، اما نباید به انجام دادن آن مجبور شود و در صورت ترک نجات مسئول قلمداد شود، چراکه با آزادی و استقلال فردی در تعارض است (همان، ۳۴).

ب- دیدگاه طرفداران نظریه قرارداد اجتماعی؛ بر طبق قرارداد اجتماعی، جامعه یا دولت تعهدی مبنی بر محافظت از اتباع خود در برابر خشونت‌ها یا جرایم علیه آنان و همچنین مراقبت از آن‌ها به هنگام بروز مواقع اضطراری دارد. اما چون در همه موارد دولت نمی‌تواند بدون



کمک مردم به خوبی از عهده این وظیفه مهم برآید، چراکه مأمورین دولتی همواره در کنار شهروندان خود حضور ندارد. در چنین مواردی خود شهروندان در قبال محافظتی که از دولت دریافت می‌دارند مکلفند به وی کمک کرده و به جانشینی از او این وظیفه خطیر را به انجام رسانند. این همان معنای تعاون اجتماعی است که هر یک از اعضاء با حضور در جامعه بدان مکلف می‌گردد (همان، ۴۰). این نظر با اشکالاتی مواجه است. مهمترین اشکال آن تزاخم و تعارض میان حق حیات قربانی و حق آزادی یاری‌رسان بالقوه است. علاوه بر این، گاه ممکن است نجات جان یک انسان مستلزم هزینه و از میان رفتن اموالی از سایرین باشد، در این صورت تحمیل تکلیف به نجات با مالکیت دیگران نیز در تعارض قرار می‌گیرد (همان، ۲۸). برای رفع این انتقادات و اشکالات، طرفداران نظریه تعاون اجتماعی برای ایجاد مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری شرایطی قائل شدند که به قرار زیر است:

۱- در جایی که نهادها و مأمورین دولتی نظیر پلیس که وظیفه آن‌ها حفظ جان و ایمنی افراد است، در محل حادثه حاضرند دیگران تکلیفی به مداخله ندارند (همان، ۵۰).

۲- الزام شخص به صرفنظر کردن و صرف مال خود جهت نجات دیگری تنها در مواردی مطرح است که وضعیت کاملاً اضطراری است یعنی در مواردی که اگر مالک مال خود را فدا نسازد قربانی جان خویش را از دست خواهد داد.

۳- هرگاه صرفنظر کردن یاری‌رسان بالقوه از مال خود و صرف آن برای نجات دیگری، موجب به مخاطره افتادن جان خود وی گردد، از آنجا که جامعه به وجود هر دوی آن‌ها نیازمند است، لذا هر دو برابرند و تعاون اجتماعی ایجاب می‌کند که هر دو حفظ گردند. اما چون حفظ هر دو میسر نیست، لذا هر کدام که زنده باقی بماند فی نفسه مطلوب است، در نتیجه اگر مالک با اختصاص مال به خویش، خود را برهاند خلاف تعاون اجتماعی عمل ننموده است.

۴- الزام مالک تنها در مواردی است که قربانی استفاده از مال را طلب کند و یا از اوضاع و احوال چنین برآید و گرنه مالک نمی‌تواند قهراً و بدون خواست قربانی، مال خود را به تملک او درآورد. این امر با استقلال و آزادی قربانی منافات دارد.

با این قیود از تحمیل یک تکلیف وسیع به فدا نمودن اموال خود در راه کمک به محتاجان، که به نیازمندی خود مالک نیز خواهد انجامید، پیشگیری می‌شود و به خوبی میان حق حیات و مالکیت جمع می‌شود (همان، ۵۹).

ج- دیدگاه اصالت نفع و فایده؛ از دیدگاه این مکتب به سود شخص است که از میزان ناچیزی از آزادی خود بگذرد، اما در عوض حقی را تحصیل کند که به هنگام خطر جان وی، توسط سایر اعضای جامعه حفظ و نجات داده شود (همان، ۴۵). با وجود این، از دیدگاه بتام و میل، تکلیف به نیکوکاری در این گونه موارد باید به موارد «اضطراری» و «راحتی یاری رساننده» مقید شود (همان، ۱۳۷). از دیدگاه میل گسترش دامنه این تکلیف سبب گسترش اتکاء بیش از حد متعارف به کمک دیگران می‌شود که یک آفت است، زیرا در جامعه باید تکیه بر حقوق به عنوان رابطه مبنا گسترش یابد (همان، ۱۳۶).

د- دیدگاه مبتنی بر تقدم حق حیات بر حق آزادی و مالکیت؛ در فرضی که حیات یک فرد با آزادی و مالکیت دیگری در تعارض قرار می‌گیرد می‌توان به برتری حق حیات بر حق آزادی و مالکیت حکم کرد، زیرا وجود سایر حقوق بسته به وجود حیات است (همان، ۱۲۴). با وجود این، اگر قایل به این باشیم که حق حیات قربانی، قادر به تأسیس تکلیفی بر دوش یاری رسان بالقوه مبنی بر نجات او خواهد بود، چنین تکلیفی در اثر برخوردی که با آزادی و حق مالکیت یاری رسان بالقوه خواهد داشت، یقیناً تکلیفی با دایره شمول وسیع نخواهد بود. قیود آن

عبارتند از: ۱- اگر حق حیات قربانی با حق حیات خود تعارض پیدا کند چون دلیلی بر ترجیح ندادن تساقط می‌کنند و در نتیجه تکلیف به نجات از دوش او برداشته می‌شود و او با استناد به حق آزادی یا مالکیت خویش، در نجات دادن یا ندادن اختیار می‌یابد.

۲- تنها در جایی که حالتی اضطراری و ضروری باشد به گونه‌ای که اگر فوراً مداخله نشود به مرگ یا صدمه جسمی شدید قربانی منتهی خواهد گردید تکلیف به نجات بر عهده یاری رسان قرار می‌گیرد.

۳- تنها زمانی این تکلیف جاری است که طرف طلب کمک و استمداد نماید و یا از اوضاع و احوال چنین برآید. کسی که عالمیاً برای خود ایجاد خطر جانی می‌کند و ارزشی برای جان خویش قایل نیست، نباید دیگران را به احترام گذاردن به حیات وی ملزم نمود (همان، ۱۲۵).

در ارزیابی دیدگاه‌های فوق باید گفت که همانطور که مبنای اصلی کمک به نجات دیگری اخلاق است، همینطور مبنای مسئولیت ترک نجات نیز حمایت از اخلاق است. با آنکه ماهیت اخلاق تصمیم‌آزادانه برای ورود به منطقه سوم اعتباری انسانیت است و نمی‌توان برای ورود به حوزه انسانیت اجباری بکار بست، ولی تصمیم‌آزادانه خلاف انسانیت دیگر مشمول عدم ضمانت اجرا نمی‌شود، بلکه چون عملی غیرانسانی است در دایره اجبار قانونی قرار می‌گیرد و حقوق برای حفاظت از گوهر اخلاق در جامعه شخص را ملزم به کمک به دیگری می‌کند.

### مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری در قوانین ایران

مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری در سه جا از قوانین ایران آمده است که به بررسی آنها می‌پردازیم:

الف- ماده واحده «قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴»؛ در این ماده آمده است: «هر کس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند، بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او و دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک، از اقدام به این امر خودداری نماید، به حبس جنحه‌ای تا یکسال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.

۱- در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او یا کمک‌های اولیه امتناع کنند به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می‌شوند. نحوه تأمین هزینه درمان این قبیل بیماران و سایر مسائل مربوط به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۲- هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

۳- دولت مکلف است در شهرها و راهها به تناسب احتیاج مراکز درمان فوری (اورژانس) و وسایل انتقال مصدومین و بیماران که احتیاج به کمک فوری دارند ایجاد و فراهم نماید.

۴- مأمورین انتظامی نباید متعرض کسانی که خود متهم نبوده و اشخاص آسیب دیده را به مراجع انتظامی یا مراکز درمانی می‌رسانند، بشوند. در این ماده، به خوبی میان آزادی یاری رسان بالقوه و حق حیات شخص در معرض خطر جمع شده است (همان، ۲۶۳). در پایان این ماده نیز جهت ترغیب یاری رسان بالقوه به کمک، از تعرض مأموران انتظامی به آنها منع شده است. در همین راستا و برای تأکید بیشتر در سال ۱۳۸۰ ماده واحده‌ای تحت عنوان «قانون ممنوعیت بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی منتقل می‌نمایند» به تصویب مجلس

شورای اسلامی رسید که مضمون آن به قرار زیر است: «از تاریخ تصویب این قانون نگهداری و بازداشت کسانی که مصدومین را به مراکز درمانی یا نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و غیره منتقل می‌نمایند توسط مراجع مذکور ممنوع است مگر اینکه خود فرد یا مصدوم یا افراد دیگری او را مقصر قلمداد نمایند و یا دلایل و قراین دیگری دلالت بر انتساب اتهام به وی نمایند.»

ب- ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵؛ این ماده می‌گوید: «هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم، به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند، حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.»

ج- ماده ۱۸۲ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳؛ این ماده می‌گوید: «فرمانده موظف است حتی الامکان بدون آنکه خطر شدید متوجه کشتی یا کارکنان و مسافران او گردد به هر شخصی که در دریا در معرض هلاکت است ولو آنکه دشمن او باشد کمک نماید. رعایت نکردن مقررات فوق موجب مسئولیت مالک کشتی نخواهد بود.» با تصویب قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ به موجب بند ۲ آن، عملاً اجازه می‌دهد که فعل فرمانده کشتی را مجرمانه بشناسیم و او را مستوجب مجازات بدانیم (نجفی اسفاد، ۱۳۸۷، ۳۰۹).

به رغم آنکه جوهر و مغز اخلاقی نهاد حقوقی نجات وجه «داوطلبانه بودن» آن است، با وجود این هیچ یک از اسناد بین‌المللی و قوانین ملی تصریحی در آن نداشته‌اند. در نظامهای حقوقی اعم از بین‌المللی و ملی، قانونگذاران سعی کرده‌اند تا با زبردستی هرچه تمام‌تر وجه «داوطلبانه بودن» عملیات نجات دریایی را با مبنایی قانونی در پوشش حقوقی به اجباری اخلاقی مبدل سازند. در این تلفیق ضمن آنکه ماهیت داوطلبانه بودن عمل حفظ شده، افراد جامعه با ابزاری قانونی اخلاقاً به عملیات نجات تشویق و ترغیب شده‌اند (همان، ۲۸۶).

### نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی نظریات مختلف در خصوص مبانی مسئولیت مدنی اشاره شده است و جایگاه جامعه‌گرایی به عنوان منشأ مشترک و ذو مراتب حقوق و اخلاق مورد بررسی قرار گرفته است. سپس به ارتباط تنگاتنگ و تاثیر متقابل اخلاق و مسئولیت مدنی پرداخته شده است بدین صورت که چون مسئولیت مدنی مسئولیت‌های خارج از قرارداد می‌باشد گاهی چنان با اخلاق هم‌مرز می‌شود که امکان تفکیک حوزه اخلاق و مسئولیت مدنی با تعدد مواجه می‌شود. برای مثال در ترک نجات جان دیگری، علی‌الظاهر هیچ الزام حقوقی نمی‌تواند وجود داشته باشد و موضوع کاملاً ماهیت اخلاقی دارد، با این وصف مقررات قانونی در این خصوص وضع شده و بر امر دارای ماهیت اخلاقی، الزام حقوقی بار نموده است و در چنین مواردی این سوال مطرح می‌شود که در صورت الزام حقوقی برای موضوعات اخلاقی، اخلاق چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ در مقاله حاضر به عنوان یک طرح مقدماتی موضوع اخلاق و مسئولیت مدنی از این زاویه مورد تحقیق قرار گرفته است.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## فهرست منابع

- امامی، س. ح. (۱۳۸۶). حقوق مدنی (جلد ۲). تهران: اسلامیه.
- حاجی عزیزی، ب.، جعفری، ف. ا.، و توکلی نهاد، ر. (۱۴۰۱). اخلاقی بودن مسئولیت مدنی محض. مجله حقوق خصوصی، ۱۹(۱)، ۴۵-۷۰.
- دیبایی، ا. (۱۳۸۶). چکیده اخلاق و قوانین پزشکی (چاپ دوم). قم: دفتر نشر معارف.
- عمید زنجانی، ع. (۱۳۸۶). قواعد فقه (بخش حقوق خصوصی) (جلد ۱). تهران: سمت.
- غفاری فارسانی، ب. (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری. تهران: میزان.
- غفاری، س.، و نورشوق، ج. (۱۳۹۱). نقش اخلاق در حقوق مسئولیت مدنی. مجله تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۵(۱۵)، ۸۵-۱۰۵.
- غلامعلی زاده کچو، م.، و رضایی، ا. (۱۳۹۹). تأثیر قواعد اخلاقی در مسئولیت مدنی. در دومین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق.
- قاسم‌زاده، س. م. (۱۳۸۵). مبانی مسئولیت مدنی (چاپ سوم). تهران: میزان.
- قاسم‌زاده، س. م. (۱۳۸۷). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد (چاپ سوم). تهران: میزان.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۶). الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری (جلد ۱، چاپ هفتم). تهران: دانشگاه تهران.
- موراوتر، ت. (۱۳۸۷). فلسفه حقوق (ترجمه ب. جندقی). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نجفی اسفاد، م. (۱۳۸۷). حقوق دریایی بر پایه قانون دریایی ایران و مقررات بین‌المللی دریایی. تهران: سمت.